

به نام خدا

تاب آوری آموزش و پرورش در برابر علوم جهانی

مولفان :

صدیقه کرد

فاطمه کرد

رحیم کاظمی مقدم

ساره بامری

محمد امین کرد

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۵)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr.ir



سرشناسه : کرد، صدیقه ، ۱۳۶۰
عنوان و نام پدیدآورندگان : تاب آوری آموزش و پرورش در برابر علوم جهانی / مولفان: صدیقه کرد
فاطمه کرد ، رحیم کاظمی مقدم ، ساره بامری ، محمد امین کرد
مشخصات نشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۵.
مشخصات ظاهری : ۱۰۴ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۳۴۱-۴
شناسه افزوده : کرد ، فاطمه ، ۱۳۵۸
شناسه افزوده : کاظمی مقدم ، رحیم ، ۱۳۵۸
شناسه افزوده : بامری ، ساره ، ۱۳۵۸
شناسه افزوده : کرد ، محمد امین ، ۱۳۶۳
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
یادداشت : کتابنامه.
موضوع : تاب آوری آموزش و پرورش
رده بندی کنگره : TP ۹۸۳
رده بندی دیویی : ۵۵/۶۶۸
شماره کتابشناسی ملی : ۴۵۷۹۶۱۲۷
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

نام کتاب : تاب آوری آموزش و پرورش در برابر علوم جهانی
مولفان: صدیقه کرد - فاطمه کرد - رحیم کاظمی مقدم - ساره بامری - محمد امین کرد
ناشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد : محدثه فرهمند
تیراژ : ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۵
چاپ : زبرجد
قیمت : ۱۷۵۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۳۴۱-۴
تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



chaponashr.ir



iran-journals.com



فهرست

مقدمه : ۵

فصل اول : معناشناسی تاب آوری آموزشی در جهان دگرگون ۱۱

تعریف مفهومی تاب آوری آموزش و پرورش و تمایز آن از پایداری و سازگاری : ۱۵

خوانش تحولات علوم جهانی و پیامدهای آن برای مدرسه و برنامه درسی : ۱۹

جایگاه هویت فرهنگی و زبان ملی در مواجهه با دانش جهانی : ۲۳

چارچوب سنجش تاب آوری در سطح کلاس مدرسه منطقه و نظام ملی : ۲۵

فصل دوم : حکمرانی دانش و سیاست گذاری برای مواجهه هوشمندانه ۲۹

معماری تصمیم سازی مبتنی بر شواهد و مرزبندی میان علم و سلیقه اداری : ۳۵

الگوی بومی سازی دانش جهانی با حفظ دقت علمی و پرهیز از سطحی سازی : ۴۰

نظام حقوقی و اخلاقی برای گردش داده آموزشی مالکیت و پاسخگویی : ۴۴

سازوکارهای کاهش سوگیری و افزایش شفافیت در تصمیم های کلان آموزشی : ۴۹

فصل سوم : طراحی برنامه درسی و یاددهی یادگیری تاب آور ۵۵

طراحی برنامه درسی منعطف و چندلایه برای شرایط عادی بحران و پسابحران : ۵۸

پرورش سواد علمی و تفکر نقاد برای فهم و ارزیابی ادعاهای جهانی : ۶۱

توسعه شایستگی های معلم به عنوان معمار یادگیری و راهبر تغییر : ۶۵

الگوهای ارزشیابی فرایندی برای پشتیبانی از یادگیری عمیق و عادلانه : ۶۸

فصل چهارم : سرمایه اجتماعی عدالت و تاب آوری نهادی ۷۳

اعتماد عمومی مشارکت خانواده و پیوند مدرسه با جامعه به عنوان سپر تاب آوری: ۷۹

عدالت آموزشی و کاهش شکاف ها در دسترسی کیفیت و فرصت یادگیری : ۸۴

سلامت روانی دانش آموز و معلم به عنوان زیرساخت پایداری نظام : ۸۸

مدیریت بحران ارتباطات و بازسازی پس از رخداد برای بازگشت به کیفیت بهتر: ۹۱

نتیجه گیری : ۹۶

منابع : ۱۰۱

مقدمه :

این کتاب از دل یک پرسش بنیادین آغاز می شود، پرسشی درباره توان آموزش و پرورش برای ایستادگی خردمندان، سنجیده و آینده نگر در برابر موج های پی در پی علوم جهانی و دگرگونی های شتابان عرصه دانایی. در جهانی که مرزهای دانش پیوسته جابه جا می شوند و معیارهای اعتبار علمی هر روز پیچیده تر و دقیق تر می گردند، آموزش و پرورش دیگر تنها نهادی برای انتقال محفوظات و بازتولید آموخته های پیشین نیست، بلکه عرصه ای برای شکل گیری توان فهم، سنجش، انتخاب و جهت دهی آگاهانه به یادگیری است. در چنین افقی، تاب آوری معنایی بسیار فراتر از دوام ساده یا مقاومت ظاهری پیدا می کند. تاب آوری در این اثر نه به معنای پافشاری بی چون و چرا بر الگوهای گذشته است و نه به معنای تسلیم شتاب زده در برابر هر امر تازه و نوظهور، بلکه به معنای توان دیدن، فهمیدن، ارزیابی کردن و سپس تصمیم گرفتن است. تصمیمی که هم به دقت علمی وفادار بماند و هم با نیازهای فرهنگی، اجتماعی و تاریخی جامعه سازگار باشد. از این رو، تاب آوری آموزشی را باید کیفیتی زنده، پویا و تربیتی دانست که نظام آموزشی را قادر می سازد در میانه آشفتگی ها، فشارها و دگرگونی ها، جهت خود را گم نکند و در عین حال از یادگیری و نوسازی بازماند.

هر جامعه ای که بخواهد آینده ای قابل اعتماد و پایدار برای خود بسازد، ناگزیر است با علوم جهانی وارد گفتگویی فعال، هوشمندانه و نقادانه شود. این گفتگو زمانی ثمربخش خواهد بود که نه شیفتگی افراطی نسبت به الگوهای بیرونی جای خرد و ارزیابی را بگیرد و نه بدگمانی فراگیر، امکان یادگیری و بهره گیری را از میان ببرد. مسئله اصلی این نیست که علوم جهانی را بپذیریم یا رد کنیم، بلکه این است که چگونه می توان از آنها بهره گرفت، بی آنکه آموزش و پرورش به مصرف کننده ای منفعل، خام و بی اختیار تبدیل

شود. همچنین مسئله این است که چگونه می توان به میراث فکری، زبانی و تربیتی خود تکیه کرد، بی آنکه در حصار خودبسندگی و بی اعتنایی به تحولات جهان گرفتار آمد. این کتاب بر آن است که تاب آوری آموزشی دقیقا در نقطه تلاقی همین دو ضرورت شکل می گیرد. یعنی در جایی که نظام آموزشی از یک سو توان جذب گزیده، سنجیده و دقیق دستاوردهای علمی را داشته باشد و از سوی دیگر بتواند آنها را بر پایه نیازها، ظرفیت ها و اولویت های بومی بازآرایی و بازتفسیر کند. در این نگاه، مدرسه نه دیواری دفاعی در برابر جهان است و نه دروازه ای بی نگهبان در برابر هر جریان فکری، بلکه کارگاهی برای سنجش، پالایش، ترجمه و بازآفرینی دانایی است.

در چنین کارگاهی، دانش آموز تنها دریافت کننده منفعل محتوا نیست، بلکه به تدریج به یادگیرنده ای تبدیل می شود که می تواند بپرسد، استدلال کند، بیازماید، خطا کند، بازنگری کند و از نو بسازد. معلم نیز در این چشم انداز صرفا مجری متن درسی یا ناقل محفوظات نیست، بلکه راهبر یادگیری، طراح تجربه و معمار موقعیت های تربیتی است. با این حال، تاب آوری یک ویژگی ساده و تک ساحتی نیست و از مجموعه ای از عوامل در هم تنیده شکل می گیرد. از حکمرانی و سیاست گذاری گرفته تا برنامه درسی و روش تدریس و سنجش، و از سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی گرفته تا عدالت آموزشی و سلامت روانی، همه در ساخته شدن یا فرسوده شدن تاب آوری نقش دارند. همچنین زیرساخت های اطلاعاتی و رسانه ای، کیفیت داده ها، توان پژوهش و تولید دانش درون زا و میزان هماهنگی میان سطوح مختلف تصمیم گیری و اجرا، در پایداری و هوشمندی نظام آموزشی اثر مستقیم می گذارند. هر یک از این لایه ها اگر سست، ناهماهنگ یا ناعادلانه باشد، کل نظام در برابر فشارهای بیرونی و درونی آسیب پذیر می شود. از این رو، بررسی تاب آوری آموزشی بدون نگاهی نظام مند و چندلایه، به نتایجی سطحی و ناکافی خواهد انجامید.

فشارهایی که امروز آموزش و پرورش با آنها روبه رو است، تنها به یک حوزه محدود نمی شود و از جهات گوناگون بر پیکره نظام آموزشی اثر می گذارد. بحران های جهانی، همه گیری ها، مهاجرت های گسترده، نااطمینانی های اقتصادی، گسترش رسانه های فراگیر و شتاب تحولات فناورانه، هر یک به نحوی مدرسه و فرآیند یاددهی و یادگیری را دگرگون کرده اند. در کنار این عوامل، فشارهای درونی نیز کم اهمیت نیستند. نابرابری فرصت های آموزشی، فرسایش منزلت معلم، شکاف میان سیاست و کلاس درس، فاصله میان مدرسه و خانواده و گسست میان اهداف اعلام شده و امکانات واقعی اجرا، از جمله مسائلی هستند که تاب آوری را تضعیف می کنند. در چنین وضعیتی، سخن گفتن از تاب آوری تنها با بیان مفاهیم کلی، آرزوهای خوش بینانه یا توصیه های عمومی ممکن نیست. نظام آموزشی برای تاب آور شدن به زبان مشترک، نقشه راه، شاخص های روشن و سازوکارهای قابل اجرا نیاز دارد. این کتاب می کوشد نشان دهد که تاب آوری نه یک شعار تزئینی، بلکه ضرورتی عملی و قابل سنجش برای بقا، رشد و کیفیت بخشی آموزش و پرورش در جهان امروز است.

یکی از نکات اساسی این مقدمه آن است که علوم جهانی هم فرصت هستند و هم چالش. فرصت از آن رو که افق های تازه ای برای حل مسئله های واقعی می گشایند، روش های دقیق تری برای مشاهده و سنجش فراهم می کنند و امکان بهره گیری از تجربه های گسترده بشری را در اختیار می گذارند. چالش از آن رو که اگر بدون سواد علمی، بدون توان داوری و بدون سازوکار بومی سازی وارد نظام آموزشی شوند، می توانند به آشفتگی برنامه ها، بی ثباتی تصمیم ها و حتی تضعیف هویت فرهنگی منجر شوند. یکی از خطاهای رایج آن است که علم جهانی به صورت بسته ای کامل، آماده و بی نیاز از تفسیر تصور شود و تمام توجه به تقلید ظاهری از الگوها، شاخص ها و واژه ها معطوف گردد. چنین رویکردی معمولاً به سیاست های نمایشی ختم می شود، سیاست هایی که در گزارش ها و اسناد

چشمگیر به نظر می‌رسند، اما در کلاس درس یا بی‌اثر هستند یا باری اضافی بر دوش معلم و دانش‌آموز می‌گذارند. در مقابل، خطای دیگر آن است که هر دستاورد علمی بیرونی تهدید تلقی شود و به جای گفتگوی نقادانه، انکار و طرد در پیش گرفته شود. این رویکرد نیز نتیجه‌ای جز محدود شدن افق‌های فکری، ضعف در روش و عقب ماندگی در رقابت علمی نخواهد داشت. تاب‌آوری در این کتاب راه‌سومی را پیشنهاد می‌کند، راهی که بر توان‌گزینش دقیق، سنجش مستمر و انطباق هوشمندانه استوار است. گزینش در اینجا به معنای انتخاب سلیقه‌ای یا مقطعی نیست، بلکه فرآیندی است مبتنی بر معیارهای روشن و مسئولانه. از جمله این معیارها می‌توان به سازگاری با هدف‌های تربیتی، امکان اجرا در سطح مدرسه، عدالت در دسترسی، تناسب با بافت فرهنگی و اجتماعی و توان پشتیبانی نهادی اشاره کرد. هر سیاست، برنامه یا الگوی علمی زمانی می‌تواند در خدمت تاب‌آوری قرار گیرد که با این معیارها سنجیده شود و پیامدهای آن برای گروه‌های مختلف یادگیرندگان به دقت بررسی گردد. اینجاست که نقش سیاست‌گذاری آگاهانه و شواهد محور برجسته می‌شود. نظام آموزشی تاب‌آور، نظامی نیست که به سرعت مجذوب هر نوآوری شود یا هر تغییر را با تردید و ترس رد کند، بلکه نظامی است که می‌تواند به کمک دانش، تجربه، مشارکت حرفه‌ای و ارزیابی واقع‌بینانه، بهترین گزینه‌ها را برای زمینه‌خاص خود برگزیند. چنین نظامی، میان نوآوری و احتیاط، میان تحول و ثبات، و میان امید به آینده و وفاداری به اصول تربیتی تعادلی هوشمندانه برقرار می‌کند.

این کتاب بر این باور است که تاب‌آوری بدون عدالت، دوام و معنای واقعی نخواهد داشت. هر نظامی که بخش‌هایی از جامعه را از فرصت یادگیری با کیفیت محروم کند، در برابر موج‌های جهانی به دو یا چند پاره نابرابر تقسیم می‌شود. در چنین وضعیتی، گروهی از دانش‌آموزان به منابع، مهارت‌ها و فرصت‌های جدید دست می‌یابند و گروهی دیگر به حاشیه‌رانده می‌شوند و از چرخه پیشرفت بیرون می‌مانند. این شکاف نه تنها یک مسئله آموزشی، بلکه مسئله‌ای اجتماعی، فرهنگی و حتی اخلاقی است. زیرا نابرابری در آموزش،

به نابرابری در مشارکت، امید، منزلت و آینده منجر می شود. از همین رو، تاب آوری تنها زمانی پایدار خواهد بود که عدالت در دسترسی، عدالت در کیفیت آموزش، عدالت در سنجش و عدالت در فرصت های رشد به صورت همزمان مورد توجه قرار گیرد. مدرسه تاب آور، مدرسه ای نیست که تنها برای گروهی محدود از فراگیران کارآمد باشد، بلکه مدرسه ای است که بتواند در شرایط متفاوت، از یادگیرندگان گوناگون پشتیبانی کند و امکان رشد را برای همه فراهم آورد. عدالت در این معنا، نه افزوده ای فرعی، بلکه بنیانی اساسی برای پایداری و مشروعیت نظام آموزشی است.

در کنار عدالت، اعتماد نیز از ارکان اصلی تاب آوری به شمار می آید. اعتماد میان معلم و دانش آموز، میان مدرسه و خانواده، میان بدنه اجرایی و نهاد سیاست گذار و نیز میان جامعه و علم، سرمایه ای است که بدون آن هیچ اصلاحی به ثمر نمی رسد. اگر این اعتماد فرسوده شود، حتی بهترین برنامه ها نیز با مقاومت پنهان، بی انگیزگی، سوء برداشت یا اجرای ناقص روبه رو خواهند شد. اعتمادسازی نیازمند شفافیت، گفتگوی مستمر، احترام متقابل و پاسخگویی نهادی است. زمانی که تصمیم ها بی توضیح، ناگهانی یا ناهماهنگ باشند، بدنه آموزشی احساس می کند صرفا مجری اراده ای دور از واقعیت های مدرسه است. در مقابل، زمانی که معلمان در طراحی و اجرای سیاست ها مشارکت داده شوند، خانواده ها از منطق تصمیم ها آگاه شوند و مسئولان در برابر پیامدها و خطاها پاسخگو باشند، زمینه شکل گیری اعتماد پایدار فراهم می شود. این کتاب بر آن است که تاب آوری نهادی بدون سرمایه اجتماعی و بدون بازسازی پیوندهای اعتماد ممکن نیست. آموزش و پرورش تنها با مقررات اداره نمی شود، بلکه با رابطه، معنا، گفتگوی حرفه ای و احساس تعلق مشترک نیز زنده می ماند. محور مهم دیگر در این مقدمه، توجه به جایگاه زبان در ساخت تاب آوری آموزشی است. زبان تنها ابزار انتقال دانش نیست، بلکه بستر اندیشیدن، صورت بندی مسئله و ساختن فهم مشترک است. اگر زبان آموزشی ضعیف

شود، فهم مفاهیم پیچیده نیز سطحی، پراکنده و ناپایدار خواهد شد. همچنین اگر زبان علم از زندگی روزمره، تجربه زیسته و جهان معنایی دانش آموز فاصله بگیرد، یادگیری به حفظ واژه ها و تکرار عبارت ها فروکاسته می شود. در مواجهه با علوم جهانی، باید هم توان خواندن و فهمیدن متون علمی تقویت شود و هم ظرفیت زبان ملی برای بیان دقیق، روشن و زنده مفاهیم پیچیده افزایش یابد. این کار تنها یک دغدغه زبانی نیست، بلکه مسئله ای تربیتی و تمدنی است. هرگاه زبان بتواند دانش را به تجربه، مسئله و گفتگوی اجتماعی پیوند بزند، یادگیری از سطح تکرار فراتر می رود و به درک و آفرینش می رسد. مدرسه تاب آور، مدرسه ای است که نه تنها دانش را منتقل می کند، بلکه زبان فهم آن را نیز در ذهن و زندگی فراگیران نهادینه می سازد.

تاب آوری آموزش و پرورش هدفی دوردست، انتزاعی و آرمانی نیست، بلکه ضرورتی روزمره، عینی و راهبردی است. این ضرورت در برنامه ریزی مدرسه، در طراحی درس، در شیوه ارزشیابی، در مدیریت کلاس، در ارتباط با خانواده، در حمایت از سلامت روان و در سیاست گذاری کلان حضور دارد. این کتاب با تکیه بر چهار فصل اصلی، می کوشد تصویری یکپارچه از این مفهوم ارائه دهد. فصل نخست به معناشناسی تاب آوری آموزشی در جهان دگرگون می پردازد تا چارچوب نظری و مفهومی بحث روشن شود. فصل دوم حکمرانی دانش و سیاست گذاری برای مواجهه هوشمندانه را بررسی می کند تا نسبت علم، تصمیم و مسئولیت نهادی آشکار گردد. فصل سوم به طراحی برنامه درسی و یاددهی یادگیری تاب آور اختصاص دارد و فصل چهارم سرمایه اجتماعی، عدالت و تاب آوری نهادی را در کانون توجه قرار می دهد. امید آن است که این اثر بتواند برای مدیران، معلمان، پژوهشگران و برنامه ریزان آموزشی زبان مشترکی فراهم آورد و از دل این زبان مشترک، مسیرهایی عملی برای نوسازی سنجیده، عادلانه و پایدار آموزش و پرورش گشوده شود.

فصل اول :

معناشناسی تاب آوری آموزشی در جهان دگرگون

تاب آوری آموزشی در جهان دگرگون، پیش از آنکه یک شعار مدیریتی باشد، یک دستگاه معنا برای فهم موقعیت تازه مدرسه است. مدرسه اکنون در میانه دگرگونی های پی در پی ایستاده است، دگرگونی هایی که هم زمان ساختار خانواده، شیوه کار، الگوی ارتباط، دسترسی به آگاهی، و صورت بندی هویت را زیر و رو کرده است. در چنین فضایی، آموزش و پرورش اگر تنها به انباشت محتوا بسنده کند، از واقعیت زندگی جدا می شود و نیروی اثرگذاری خود را از دست می دهد. بنابراین نخستین گام، روشن کردن معنای تاب آوری است، معنایی که نه از ترس تغذیه می کند و نه از شتاب زدگی. تاب آوری در این کتاب به معنای توان ماندن همراه با توان دگرگون شدن است، یعنی نگه داشتن اصول تربیتی در کنار بازآرایی روش ها. این معنا ما را از دو دام دور می کند، یکی دلبستگی افراطی به گذشته و دیگری دل سپردن بی سنجش به هر نوآوری. در این نقطه، معناشناسی تاب آوری آغاز می شود و راه خود را به سوی تحلیل و عمل باز می کند. در جهان دگرگون، واژه ها نیز دگرگون می شوند و گاهی همان واژه های آشنا، بار معنایی دیگری پیدا می کنند. تاب آوری اگر با پایداری یکسان گرفته شود، به سکون می انجامد و اگر با سازگاری ساده همسان شود، به تسلیم تبدیل می گردد. پایداری بیشتر بر حفظ وضعیت موجود تکیه دارد، حال آنکه آموزش و پرورش همواره با رشد و تغییر سروکار دارد. سازگاری نیز اگر تنها واکنش سریع به شرایط باشد، به پراکندگی راهبردی منتهی می شود و هدف های تربیتی را کم رنگ می سازد. تاب آوری آموزشی چیزی میان این دو نیست، بلکه کیفیتی گسترده تر است که هم توان پیش بینی دارد و هم توان بازگشت به تعادل را. این

کیفیت با شناخت زمینه شکل می گیرد، با تشخیص نشانه های بحران تقویت می شود، و با تمرین تصمیم های سنجیده پایدار می ماند. در معناشناسی تاب آوری، باید به جای تعریف های کوتاه، به شبکه مفاهیم پیرامونی توجه کرد، مفاهیمی مانند معنا، اعتماد، عدالت، یادگیری، و مسئولیت نهادی. از رهگذر همین شبکه است که مدرسه می تواند در برابر تکانه ها خاموش نشود و در عین حال از مسیر تربیت منحرف نگردد.

تاب آوری آموزشی پیش از هر چیز به نسبت میان تغییر و تداوم مربوط است. آموزش و پرورش از یک سو نگهبان ارزش ها و حافظ میراث فرهنگی است و از سوی دیگر سازنده توانایی های لازم برای آینده. اگر این دو جهت گیری در تعارض قرار گیرند، کلاس درس به میدان کشمکش تبدیل می شود و انرژی تربیتی به هدر می رود. معناشناسی دقیق تاب آوری نشان می دهد که تداوم به معنای تکرار نیست، همان گونه که تغییر به معنای گسست نیست. تداوم یعنی حفاظت از کرامت انسان، حفظ عدالت در فرصت، و پاسداری از حقیقت جویی در یادگیری. تغییر یعنی بازنگری در ابزار، اصلاح روش سنجش، بازآفرینی فعالیت های یادگیری، و به روز کردن محتوای آموزشی بر پایه نیازهای نو. تاب آوری در این معنا، هنر پیوند زدن این دو جریان است، هنر ساختن پلی میان گذشته و آینده. مدرسه تاب آور به جای جنگیدن با زمان، با زمان کار می کند و به جای تعلیق هویت، هویت را توانمند می سازد. چنین مدرسه ای از تغییر نمی هراسد، زیرا ستون های خود را می شناسد.

جهان دگرگون با شتاب خبر و فراوانی روایت شناخته می شود و این فراوانی می تواند جای دانایی را بگیرد. دانش آموز امروز در معرض حجم عظیمی از گفته ها قرار دارد، اما دسترسی به گفته ها به معنای دسترسی به فهم نیست. در این موقعیت، تاب آوری آموزشی یعنی توان تمایز گذاشتن میان آگاهی و دانایی، میان ادعا و دلیل، میان موج رسانه ای و

واقعیت آزمون پذیر. معناشناسی تاب آوری به ما می گوید مدرسه باید مکان آرامش فکری باشد، نه بازتابگاه هیجان های بیرونی. کلاس درس تاب آور، فضایی فراهم می کند که در آن پرسشگری ارزش دارد، خطا بخشی از یادگیری است، و اصلاح اندیشه نشانه رشد به شمار می آید. اگر مدرسه این نقش را از دست بدهد، جامعه در برابر شایعه، افراط، و بی اعتمادی بی دفاع می شود. بنابراین تاب آوری تنها مسئله درون مدرسه نیست، بلکه مسئله سلامت فرهنگی و عقلانی جامعه نیز هست. هر اندازه توان تشخیص و سنجش در مدرسه بالاتر رود، تاب آوری جمعی نیز افزایش می یابد. این پیوند میان مدرسه و جامعه در متن معناشناسی جایگاهی مرکزی دارد.

یکی از لایه های مهم در فهم تاب آوری آموزشی، فهم شکنندگی های پنهان است. گاهی نظام آموزشی در ظاهر آرام است، اما درون آن نشانه های فرسایش دیده می شود، فرسایش انگیزه، فرسایش اعتماد، فرسایش منزلت، و فرسایش امید. این فرسایش ها در زمان بحران ناگهان آشکار می شوند و نشان می دهند که تاب آوری با امکانات ظاهری سنجیده نمی شود. معناشناسی تاب آوری ما را به سوی شاخص هایی می برد که کمتر به چشم می آیند، مانند کیفیت رابطه معلم و دانش آموز، عدالت در توجه، امنیت روانی کلاس، و شفافیت تصمیم های مدرسه. مدرسه ای که از نظر منابع محدود است، می تواند با سرمایه اجتماعی قوی تاب آور شود، و مدرسه ای که منابع بیشتری دارد، ممکن است به سبب بی اعتمادی شکننده بماند. پس تاب آوری تنها محصول تجهیزات نیست، محصول فرهنگ سازمانی و اخلاق حرفه ای نیز هست. در اینجا معناشناسی به ما کمک می کند که سطح تحلیل را از ابزار به انسان منتقل کنیم. زیرا نیروی اصلی آموزش و پرورش، انسان است نه سازه اداری.

تاب آوری آموزشی به معنای توان مدیریت تضادها است. مدرسه هم زمان باید نظم را حفظ کند و خلاقیت را رشد دهد، باید معیار داشته باشد و فردیت را به رسمیت بشناسد، باید مشترکات ملی را تقویت کند و تفاوت های فرهنگی را بفهمد. اگر این تضادها بد فهمیده شوند، یکی قربانی دیگری می شود و توازن از میان می رود. معناشناسی تاب آوری در جهان دگرگون، به ما می آموزد که توازن نه با حذف یکی از دو سوی تضاد، بلکه با ساختن قواعد روشن و عادلانه به دست می آید. قواعدی که به دانش آموز امکان می دهد مسیر رشد خود را بشناسد و در عین حال احساس طرد نکند. قواعدی که به معلم امکان می دهد کلاس را اداره کند و در عین حال به گفت و گو میدان دهد. قواعدی که به مدیر امکان می دهد پاسخگو باشد و در عین حال به مدرسه اختیار دهد. تاب آوری در این سطح، یعنی توان ساختن نظم انسانی. نظمی که سخت گیری بی جان نیست و رهاشدگی بی مرز هم نیست.

معناشناسی تاب آوری بدون توجه به عدالت، ناقص می ماند. در جهان دگرگون، فاصله ها سریع تر گسترش می یابند، فاصله اقتصادی، فاصله دسترسی به منابع یادگیری، فاصله حمایت خانواده، و فاصله کیفیت مدرسه. اگر نظام آموزشی نتواند این فاصله ها را کاهش دهد، هر تکرانه بیرونی به سرعت به شکاف های عمیق تر تبدیل می شود. تاب آوری یعنی توان جلوگیری از تبدیل شدن تفاوت به محرومیت. این توان با سیاست های عادلانه آغاز می شود، با تخصیص درست منابع ادامه می یابد، و با مراقبت تربیتی در کلاس تثبیت می گردد. معناشناسی تاب آوری در اینجا روشن می کند که عدالت فقط هدف اخلاقی نیست، شرط دوام نیز هست. نظامی که نابرابری را تحمل کند، دیر یا زود با بی اعتمادی گسترده روبه رو می شود و آن گاه هیچ برنامه اصلاحی به نتیجه نمی رسد. بنابراین تاب آوری آموزشی، همواره با انصاف پیوند دارد. و انصاف یعنی دیدن همه دانش آموزان، نه فقط کسانی که صدای بلندتری دارند.

تعریف مفهومی تاب آوری آموزش و پرورش و تمایز آن از پایداری و سازگاری :

تاب آوری آموزش و پرورش در این نوشتار به منزله توان نظام تربیت برای ادامه کار معنادار در شرایط دگرگونی و فشار تعریف می شود. این توان تنها دوام آوردن نیست، بلکه توان حفظ جهت تربیتی همراه با اصلاح روش و بازچینی منابع است. وقتی رخدادهای بیرونی برنامه ها را به هم می ریزند یا تنش های درونی اعتماد را می کاهند، نظام تاب آور می تواند از فروپاشی نظم یادگیری جلوگیری کند. چنین نظامی نه در پی قهرمان سازی از بحران است و نه در پی پنهان کردن رنج ها، بلکه بحران را به موضوع شناخت و تصمیم تبدیل می کند. در این تعریف، تاب آوری با عقلانیت تربیتی گره می خورد، یعنی هر اقدام باید به رشد یادگیرنده و بهبود کیفیت فرصت ها منتهی شود. تاب آوری همچنین با کرامت انسانی پیوند دارد، زیرا هیچ اصلاحی نباید با تحقیر، تهدید، یا حذف گروهی از دانش آموزان همراه شود. هدف نهایی این توان، نگه داشتن امکان یادگیری عمیق برای همه در دل ناپایداری های زمانه است.

برای دقیق شدن تعریف، باید تاب آوری را از برداشت های سطحی جدا کرد. گاهی تاب آوری را تحمل بی پایان دشواری می دانند، انگار که وظیفه مدرسه فقط تاب آوردن باشد. این برداشت، درد را به فضیلت تبدیل می کند و راه اصلاح ساختار را می بندد. تاب آوری در معنای مفهومی، پذیرش ناتوانی نیست، بلکه توان شناسایی گره ها و گشودن آنها است. گاهی نیز تاب آوری را با پرکاری و فشردگی برنامه یکی می گیرند و می پندارند هر قدر فشار بیشتر باشد، تاب آوری بیشتر می شود. نتیجه چنین نگاه، فرسودگی معلم و دانش آموز و افت انگیزه و کاهش کیفیت یادگیری است. تعریف درست، میان کوشش و فرسایش مرز می گذارد و از نظام می خواهد که تعادل بسازد. تاب آوری یعنی هنر نگه داشتن تعادل میان نیازهای روانی، هدف های آموزشی، و محدودیت های واقعی. پس تاب آوری